

انگاره چلکوفسکی در عزاداری شیعه؛

نقد دیدگاه چلکوفسکی در مجموعه «Shi'ism»

سید رضا قائمی*

علی راد**

چکیده

پژوهه حاضر نقد مقاله «Popular Shi'i Morning Rituals»^۱ (مقاله ۴۴) از مجموعه «Shi'ism» نوشته دکتر پیتر چلکوفسکی است. نگاه ایشان به مراسم عزاداری شیعه با وجود بی‌طرفانه نگاشتن او، همانند نگاه بسیاری از مستشرقان کاستی‌هایی دارد. وی با بیانی توصیفی به شرح مراسم عزاداری در نواحی مختلف شیعه‌نشین جهان می‌پردازد. مبنای وی در بررسی این برنامه‌ها بر نگاه نمادین یک ناظر بیرونی و بدون کمک گرفتن از آموزه‌ها و مصادر شیعه استوار است. یکی از راه‌های شناخت باورهای یک جامعه، بررسی نمادهای موجود در آن محیط است که نویسنده از این روش در تحلیل‌های خود استفاده کرده است. نوشتار حاضر درصدد اثبات این امر است که چنین روشی نمی‌تواند بیان درستی از شعائر و آموزه‌های شیعه ارائه نماید و با کاستی‌ها و مشکلاتی همراه است. این پژوهش در دو محور کاستی‌ها و امتیازات، به نوشته چلکوفسکی نگاه می‌کند و نکات مثبت این مقاله را در شکل و ساختار مقاله و روش نویسنده و کاستی‌های آن را با دو رویکرد محتوایی و روشی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

مستشرقان، عزاداری شیعه، نماد، چلکوفسکی، نقد.

sr.ghaemi@gmail.com

ali.rad@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۳

*. پژوهشگر پژوهشکده کلام اهل بیت (ع).

** استادیار دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۲

۱. مراسم عزاداری رایج شیعه.

طرح مسئله

امروزه مذهب تشیع در عرصه جهانی به خصوص جهان اسلام به عنوان مذهبی تأثیرگذار بر تحولات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی مسلمانان شناخته می‌شود. آموزه‌های این مکتب همواره مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران در سراسر دنیا قرار گرفته و روند نگارش مقاله، کتاب و تأسیس مراکز پژوهشی در این زمینه در سال‌های اخیر رو به فزونی است. مستشرقان عقاید و تعالیم شیعه را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهند و در تحلیل این آموزه‌ها بعضاً از روش‌های جدید و متنوعی نظیر معناشناسی، نشانه‌شناسی و نمادشناسی استفاده می‌کنند. آغاز این رویه افق جدیدی را در برابر پژوهشگران عرصه دین گشوده است که می‌تواند برای کشف معرفتی نو در این حوزه به کار گرفته شود. مستشرقان در تحلیل‌های خود مرتکب اشتباهاتی شده‌اند که ناشی از نوع نگرش یا خطای در برداشت یا غرض‌ورزی بوده است.

در این اثر مجموعه آموزه‌های دینی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ در نظر گرفته شده است. انتساب نظریه‌ای معرفتی به یک تفکر می‌باید به گونه‌ای باشد که نظم درونی آن سیستم را دچار اختلال نسازد. این هماهنگی درونی اقتضا می‌کند که هر یافته معرفتی، بر آن مجموعه هماهنگ عرضه و با آن سنجیده شود. لذا براساس این روش لازم است هر نظریه‌ای با قطعیت این نظام معرفتی نقد گردد و در صورت هماهنگی با آن اخذ شده و در غیر این صورت کنار گذاشته شود.

از آنجا که نقد یک اثر نه به معنای رد آن، بلکه به معنای ارزیابی و واری نویخته است، این پژوهش در ابتدا کاستی‌ها و نقاط ضعف اثر مذکور را بیان می‌کند و سپس متذکر امتیازات و نقاط قوت آن مقاله می‌گردد.

چلکوفسکی و عزاداری شیعه

پروفسور پیتیر ج. چلکوفسکی^۱ نویسنده مقاله «Popular Shi'i Morning Rituals» در موضوع عزاداری شیعه، دانشمند آمریکایی لهستانی تبار، از پژوهشگران حوزه شرق‌شناسی، به خصوص فرهنگ ایران است که هم‌اکنون استاد رشته‌های مطالعات خاورمیانه، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه نیویورک می‌باشد. اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۹۵۸ م در رشته واژه‌شناسی شرقی از دانشگاه جگیلونیان^۲ شهر کراکوف لهستان، تحصیل در مدرسه درام همان شهر در رشته هنرهای تئاتری، اخذ مدرک مقطع فوق لیسانس در سال ۱۹۶۲ م در رشته تاریخ

1. Peter J. Chlkowski.

2. Jagiellonian.

خاورمیانه اسلامی از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی^۱ لندن، تحصیل در دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به سبب علاقه به تعزیه در سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۰) از سوابق تحصیلی وی به‌شمار می‌آید. از آثار وی می‌توان به تعزیه، نیایش و نمایش در ایران، به روی صحنه آوردن انقلاب؛ هنر ایمان در انقلاب اسلامی ایران، از صحرای آفتاب سوخته ایران تا سواحل ترینیداد؛ سفر (اشاعه) تعزیه از آسیا تا منطقه کارائیب و هنر و هنرمندان در ایران دوره قاجار اشاره کرد. در این میان تمرکز کار وی بر «تعزیه» است.^۲ در پژوهش حاضر دیدگاه‌های وی در موضوع عزاداری شیعه مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) کاستی‌ها

مدل نقد در این پژوهش برپایه شناسایی پیش‌فرض‌های نویسنده، ارتباط آنها با اظهارنظرهای وی و نیز توجه به منابع استفاده‌شده توسط ایشان در مقاله استوار می‌باشد. روشن است که پیش‌فرض‌ها بخش نانوشته یک مقاله می‌باشند. از این رو باید این پیش‌فرض‌ها و ملزومات آنها را شناخت و در صورتی که نویسنده در اتخاذش به خطا رفته باشد، آنها را نقد نمود و روش صحیح را متذکر شد. به‌علاوه هر نویسنده در نوشتار خود از روشی استفاده می‌کند که در این نقد به روش ایشان نیز توجه جدی شده است. در نقد دیدگاه‌های چلکوفسکی از سه رویکرد نقد محتوای مقاله، نقد روشی وی در تبیین بعضی مسائل و نقد ساختاری مقاله استفاده شده است.

۱. نقد محتوایی

۱. عدم توجه به مصادر روایی و سنت شفاهی در باب عزاداری

چلکوفسکی در تحقیقات خود در باب شعائر عزاداری شیعه به مشاهدات و تجربه‌های شخصی خود اکتفا کرده و تقریباً به هیچ منبع و مصدر اصیلی در باب عقاید شیعه مراجعه نکرده است. او تنها از *روضات الشهداء* نام می‌برد و در یک مورد به این کتاب ارجاع می‌دهد که البته این کتاب هم یک مصدر اصیل و اولیه نیست. این در حالی است که ادبیات شیعه مملو از آثار فاخر در زمینه‌های مختلف اعتقادی تشیع است. در ارتباط با شهادت امام حسین علیه السلام این فراوانی آثار بیشتر به چشم می‌خورد. به‌علاوه، ایشان از سنت شفاهی و فرهنگ مردم کوچه و بازار نیز استفاده‌ای نکرده است. وی می‌توانست با توجه به این بخش مهم، نمادهای سوگواری را با دقت بیشتری تحلیل کند.

1. Soas.

۲. گفتگو با پیتر چلکوفسکی شرق‌شناس آمریکایی: «عاشق ایران و تعزیه هستم»، *روزنامه ایران*، ش ۳۵۷۴، ۲۹ بهمن ۱۳۸۵، ص ۱۸.

از این رو اکتفا کردن به یک اثر در این حوزه آن هم به این صورت و نپرداختن به فرهنگ عامه در حوزه عزاداری، موجب درک ناکافی و حتی اشتباه در بعضی موارد نسبت به فرهنگ و آموزه‌های عاشورا می‌گردد؛ چنان که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲. نگرش التقاطی به حادثه کربلا

مشکل دیگر نویسنده در جنس نگرش او به عزاداری برای امام حسین علیه السلام و حادثه کربلاست. از آنجا که چلکوفسکی خود یک مسیحی کاتولیک است، از دیدگاه آموزه‌های مسیحیت کاتولیک به این واقعه نگاه می‌کند. او خواسته یا ناخواسته در صدد برقراری ارتباط میان این دو واقعه، یعنی شهادت امام حسین علیه السلام و به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح علیه السلام و آموزه‌های مربوط به آن دوست.

۱ - ۲. ریاضت

او برای مراسم عزاداری مثل زنجیرزنی و سینه‌زنی به‌طور گسترده از واژه «Suffering» استفاده می‌کند که به معنای رنج و عذاب و ریاضت شخصی است:

به نظر می‌رسد اجزای اساسی یکسان باشند، اما روش‌های خودزنی (ریاضت شخصی) مختلف‌اند؛ بعضی قفسه سینه‌هایشان را با دستانشان می‌زنند (سینه‌زنی)، دیگران پشت‌هایشان را با زنجیر می‌زنند (زنجیرزنی) و همچنین گروه‌های دیگر با شمشیر یا چاقو بر سرهایشان می‌زنند، به طوری که خون بر روی صورت، گردن و سینه‌هایشان جاری می‌شود (قمه‌زنی).^۱

چنین اعمالی به‌خصوص در میان کاتولیک‌ها رواج دارد. آنها در هفته مقدس که یادآور مرگ مسیح است، با تازیانه‌ای - شبیه به زنجیر در مراسم عزاداری شیعه - به پشت خود ضربه زده، به عزاداری می‌پردازند. البته این شلاق زدن به نوعی سهیم کردن خود در رنج‌هایی است که مسیح برای خرید گناهان نوع انسان، ناچار به تحمل آنها شده، نه به جهت عزاداری برای مرگ مسیح.^۲ اما در نقطه مقابل، شیعیان صرفاً برای عزاداری این اعمال را انجام می‌دهند و این امور، شکل‌های مختلف عزاداری است که از دیرباز وجود داشته است و نمی‌توان برای آنها چنین نمادسازی کرد. به عنوان مثال زنجیرزنی یکی از شکل‌های عزاداری است که از شبه‌جزیره هند و پاکستان وارد ایران شده است؛ با این تفاوت که در ایران زنجیرزنی به صورت معمولی و بدون خون‌ریزی است، اما آنان با زنجیر و چوب‌های میخ‌دار بر پشت خود می‌زنند و در پی زنجیر زدن، از بدن آنان خون جاری می‌شود.^۳ اکنون نیز مرتاضان هندی با چنین وسایلی بدن خود را ریاضت می‌دهند. البته بعضی نیز

1. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 157.

۲. گلن و مرتن، کتاب مقدس (انجیل یوحنا)، باب ۱۹، آیه ۱.

۳. الخلیلی، موسوعة العتبات المقدسه، ج ۸، ص ۳۷۲.

اعتقاد دارند که این نوع عزاداری از شیوه مسیحیان کاتولیک گرفته شده است؛ اما با توجه به میزان ارتباط فرهنگی مسیحیان با ایرانیان و نیز زمان ورود این نوع عزاداری به ایران،^۱ این احتمال بسیار بعید به نظر می‌رسد.

به‌علاوه در کتاب‌هایی که در شرح عزاداری‌های سنتی شیعیان در نواحی مختلف جهان چاپ شده، به این موضوع اشاره گردیده است که عزاداری سنتی مردمان این نواحی زنجیرزی، سینه‌زنی، شبیه‌گردانی و قمه‌زنی است که از دیرباز در این منطقه رواج داشته است؛^۲ درحالی‌که در مورد دیگر مناطق مورد سکونت شیعیان این شیوه عزاداری به‌عنوان سنت رایج آن نواحی ذکر نشده است.^۳ در عین حال حتی اگر قبول کنیم که این شیوه از مسیحیت وارد شده، باز هم نمی‌توان شباهت در پیش‌زمینه عقیدتی آنها را پذیرفت.

۲ - ۲. فدا

استفاده چلکوفسکی از واژه «passion»^۴ برای شهادت امام حسین علیه السلام به‌جای واژه «Martyrdom» نیز جای تأمل دارد. این واژه اساساً برای مصائب و شهادت حضرت عیسی علیه السلام - البته به اعتقاد مسیحیان - در به صلیب کشیده شدن ایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع لفظ «passion of Christ» در میان مسیحیان بسیار رایج است؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد برای مسیح علم شده است. مسیحیان باور دارند که ایشان به صلیب کشیده شد و رنج کشید تا همه انسان‌ها از گناه نخستین خود خلاصی یابند. چلکوفسکی امام حسین علیه السلام و شهادت ایشان را نیز با همین دیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهد. وی از شهادت آن حضرت به‌عنوان بزرگ‌ترین کنش رستگاری‌بخش از نظر شیعه نام می‌برد^۵ و در چند جا نیز بر رستگار شدن شیعیان در پناه این جریان و مراسم مربوط به آن تأکید می‌نماید.^۶ به‌طور مشخص این دیدگاه یک اندیشه متأثر از مسیحیت و آموزه «فدا» می‌باشد. اگرچه شیعیان با شرکت در مراسم عزاداری امید دارند تا حضرت سیدالشهدا علیه السلام شفیع آنها در روز قیامت باشد، اما

۱. سفرنامه‌های مختلفی از اروپایی‌ها در دوره صفویه و زندیه برجای مانده که در آنها توضیحات فراوانی در مورد آداب و رسوم ایرانیان، از جمله عزاداری محرم آمده است. در عین حال در هیچ‌کدام نشانه‌ای از شیوه عزاداری زنجیرزی دیده نشده است. (تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ج ۲، ص ۴۱۷ - ۴۱۲؛ کارری، *سفرنامه کارری*، ص ۱۲۵؛ دلاواله، *سفرنامه پیترو دلاواله*، ج ۲، ص ۱۲۴ - ۱۲۳ و ...) با توجه به اینکه این شیوه عزاداری یا حتی ریاضت تا زمان قاجار دیده نشده است و نیز با ملاحظه سطح پائین ارتباط شیعیان ایرانی و مسیحیان در این دوره، اقتباس این شیوه عزاداری از مسیحیان دور از ذهن است.

۲. معتمدی کاشانی، *عزاداری سنتی شیعیان*، ج ۳، ص ۲۷۴ به بعد.

۳. ر.ک به: همان، ج ۳ - ۱.

4. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 155.

5. Ibid.

6. Ibid, P. 155-163.

این مسئله با نگاه مسیحیت به رنج و مصلوب شدن مسیح تفاوت دارد.

توضیح بیشتر آنکه، یکی از اساسی‌ترین عقاید مسیحیت را آموزه «فدا»، یعنی نجات بشریت به وسیله مرگ عیسی مسیح علیه السلام تشکیل می‌دهد.^۱ وی شهادت امام حسین علیه السلام را نیز از همین سنخ دانسته و آن را برای رهایی مسلمانان از گناه می‌داند. این در حالی است که میان این دو مسئله تفاوت روشنی وجود دارد. تفاوت عمده «فدا» با «شفاعت» در آن است که به عقیده مسیحیان، عیسی علیه السلام کفاره گناه انسان را یکباره و برای همیشه محقق ساخت و با تسلیم شدن کامل به خدا، دیواری را که گناه بین خدای بی‌نهایت شایسته و انسان متهم قرار داده بود، منهدم کرد.^۲ از این رو خدا به وسیله مرگ مسیح، کیفر تمام کسانی را که به عیسی ایمان آوردند، پرداخته است. مرگ عیسی بر صلیب هم باعث آموزش گناهان بشر و هم باعث خشنودی کامل خداوند و مصالحه و آشتی او با بشریت گردید.^۳

در مقابل، شفاعت در فرهنگ شیعه شرایطی دارد و مفهوم آن چنان نیست که در مسیحیت گفته می‌شود. شفاعت به عنوان یکی از اسباب نجات انسان از عذاب دوزخ، در قرآن کریم و روایات معصومان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. بنابه گفته علامه طباطبایی، اخبار دال بر وقوع شفاعت همگی بر این مطلب دلالت دارند که در روز قیامت افرادی گناهکار از اهل ایمان شفاعت می‌شوند؛ یعنی یا از دخول در آتش نجات می‌یابند یا بعد از داخل شدن در آتش از آن بیرون می‌شوند.^۴ از مجموع آیات شفاعت استفاده می‌شود کسانی که در قیامت مشمول شفاعت قرار می‌گیرند عبارتند از گناهکاران دین‌دار و متدینان به دین حق، یا گناهکارانی که خدا دینشان را پسندیده است.^۵ همچنین شفاعت در آخرین موقف از مواضع قیامت به کار می‌رود و گناهکار با شفاعت مشمول آموزش قرار می‌گیرد.^۶ نتیجه اینکه، در مسیحیت اعتقاد بر آن است که قبل از آنکه بشر بخواهد یا بتواند کاری برای نجات خویش انجام دهد، خداوند به وسیله فدا و مرگ عیسی علیه السلام بر صلیب، این مهم را به انجام رسانده است. از این رو تمام پیروان عیسی علیه السلام از اسارت گناه و مرگ رها شده و نجات یافته‌اند. در حالی که از دیدگاه اسلام هر کس خودش باید با تمسک به قرآن کریم و اهل بیت پیامبر علیهم السلام و با تلاش و کوشش خود و انجام اعمال صالح و کسب فضائل اخلاقی و تهذیب نفس و پرهیز از گناه در

۱. گلن و مرتن، کتاب مقدس (انجیل مرقس)، باب ۳، آیه ۱۹ - ۱۶.

۲. طالبی، «نجات‌شناسی از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، مجله طلوع، ش ۱۱ - ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۰۷.

۳. همان.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۷.

۵. همان، ص ۲۵۹.

۶. همان، ص ۲۶۴.

طول حیات دنیوی به سعادت دست یابد. بنابراین از دیدگاه مسیحیت «نجات» هم‌اکنون برای پیروان عیسی علیه السلام حاصل و فراهم است؛ ولی در اسلام «نجات» در گرو ایمان واقعی به اصول محوری دین حق و انجام اعمال صالح است که انسان حاصل آن را در عالم پس از مرگ خواهد دید.^۱

۳ - ۲. عشای ربانی

مورد دیگری که چلکوفسکی براساس پیش‌زمینه فکری مسیحی به آن پرداخته است، یکی شدن با امام و شریک گشتن با او در مصائبش به‌وسیله انجام اموری مثل سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌باشد:

بعضی قفسه سینه‌هایشان را با دستانشان می‌زنند (سینه‌زنی)، دیگران پشت‌هایشان را با زنجیر می‌زنند (زنجیرزنی) و همچنین گروه‌های دیگر با شمشیر یا چاقو بر سرهایشان می‌زنند، به‌طوری که خون بر روی صورت، گردن و سینه‌هایشان جاری می‌شود (قمه‌زنی). تمام این موارد برای اثبات غم و اندوه افراد برای زخم‌های رسیده به شهدای کربلا انجام می‌شود. خودزنی آنها کوششی است برای یکی کردن خودشان با رنج حسین؛ مثل اینکه کربلا در زمان حاضر می‌تواند دوباره ایجاد شود و آنها می‌توانند در شهادت امام سهم داشته باشند.^۲

یا آن‌طور که در مورد قبل گفتیم، با دیدن خود در آینه‌های نصب‌شده بر روی نخل می‌توانند چنین احساسی در خود ایجاد کنند:

مردم می‌توانند تصویر خودشان را در آینه‌هایی که تخت روان حسین (نخل) را پوشانده است، ببینند و از این طریق می‌توانند خود را همراه حسین مشاهده کنند.^۳

در مورد مداحی روضه‌خوانان آورده است:

آنها در شنوندگانشان احساس یگانگی بسیار شدیدی را برمی‌انگیزند؛ چنان‌که آنها با رنج شهدا (کسانی که تک‌تک آنها به‌عنوان واسطه (شفیع) در روز قیامت به‌کار می‌روند) یکی می‌شوند.^۴

به‌نظر می‌رسد این نگرش او نشئت‌گرفته از آموزه «عشای ربانی» در مسیحیت باشد. «عشای ربانی» موضوعی است که تمام مسیحیان عالم بدون استثنا به آن اعتقاد دارند و به آن عمل می‌کنند. مسیحیان معتقدند آخرین شبی که عیسی مسیح در میان حواریون بود، به آنان نان فطیر و شراب خوراند و عنوان کرد که این نان همان تکه‌های بدن من است و آن شراب را هم عیسی مسیح

۱. طالبی، «نجات‌شناسی از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، مجله طلوع، ش ۱۱ - ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۰۷.

2. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 157.

3. Ibid, P. 175.

4. Ibid, P. 163.

به‌عنوان خون خود به آنها داد تا بنوشند. در واقع مسیحیان اعتقاد دارند که حواریون با خوردن آن نان و شراب جزئی از خود عیسی مسیح و یا در حقیقت، خود عیسی مسیح شده‌اند. این عمل یکی از واجبات در تمام فرق مسیحی است که به‌شدت به آن اعتقاد دارند! به عبارت دیگر مسیحیان معتقدند با خوردن نان و شراب با مسیح یکی شده و حتی خود عیسی مسیح می‌شوند.^۱

اما این مسئله در مورد شیعیان صادق نیست. گفتیم که شیعیان مراسمی مانند سینه‌زنی، زنجیرزنی و قمه‌زنی را تنها از باب عزاداری و زنده نگه داشتن نام حضرت سیدالشهدا انجام می‌دهند نه برای احساس یگانگی با شهدای کربلا و یا همراهی با امام آن‌طور که در مسیحیت وجود دارد. همین‌طور آنها از بعضی غذا و نوشیدنی‌های مربوط به این مراسم صرفاً برای تبرک جستن استفاده می‌کنند، نه یکی شدن با امام. شیعه تنها به پاس احترام پیشوایان خود و پیشتازان دین خدا و به‌منظور ابراز محبت بی‌شائبه خود نسبت به آنان، بدان آثار تبرک می‌جویند. از آنجا که قبور و حرم‌های مطهر پیامبر خدا و اهل‌بیت ایشان علیهم‌السلام منتسب به آنان است، علاقه‌مندی به آستان بلندشان و برکت یافتن از قبور پاکشان جزو سنت‌های دینی شده است، حال چه به‌صورت دست کشیدن و لمس کردن، چه بوسیدن و چه صورت بر قبور و آستان آنان نهادن یا استفاده از اغذیه منتسب به آنان.

۳. نگاه هنری مطلق به تعزیه

چلکوفسکی به مراسم تعزیه نگاهی هنری صرف دارد و به‌عنوان یک نمایش و تئاتر به آن می‌نگرد. بر همین اساس او تنها به جنبه‌های هنری این مراسم تأکید دارد و در شرح خود از تعزیه با مقایسه میان نمایش غربی و تعزیه، تنها به عوامل مؤثر در کمال یا نقص یک نمایش مثل شکل صحنه، لباس‌های بازیگران، وسایل صحنه و تشریفات موجود در حواشی آن می‌پردازد.^۲

وی در مدل نگاه خود به این مراسم نیز دچار خطا شده است. تعزیه جزئی از مراسم عزاداری شیعیان است و یک شیعه به آن نگاه جدی هنری ندارد؛ چه آن‌که نقشی را در تعزیه ایفا می‌کند و چه آن‌که به تماشای این نمایش می‌نشیند، برای ثواب شرکت در مراسم عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام این عمل را انجام می‌دهد، نه صرفاً دیدن یک نمایش تراژیک و اهمیت دادن به جنبه هنری آن. به عبارت دیگر تعزیه منشأ پیدایش هنری ندارد تا بتوان آن را با معیارهای نمایش غربی سنجیده و سیر تاریخی آن را همانند روند تاریخی تراژدی‌های یونان دانست؛^۳ بلکه مبنای شکل‌گیری چنین مراسمی، اعتقادات عامه و تلاش برای زنده نگهداشتن یاد و نام اولیای دین از راه سوگواری برای

۱. گلن و مرتن، کتاب مقدس (انجیل مرقس)، باب ۱۴، آیه ۲۵ - ۲۱.

2. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 167-168.

۳. ماله، تاریخ ملل شرق و یونان، ج ۳ - ۱، ص ۲۵۵.

شهادت آنها می‌باشد. گزارش‌های تاریخی از برگزاری اولین تعزیه‌ها بعد از اسلام نیز همین مسئله را نشان می‌دهد. ابن‌اثیر در بیان وقایع سال ۳۶۳ ق از «فتنه‌ای بزرگ» میان سنی و شیعه یاد می‌کند؛ بدین روایت که اهل «سوق الطعام» در بغداد که سنی‌مذهب بودند، شبیه جنگ جمل را ساخته و به گمان خود با اصحاب علی علیه السلام می‌جنگیدند. این امر به گمان قوی در معارضه با عمل «کرخیان» که شیعی‌مذهب بوده و «شبیه واقعه کربلا» را پدید آورده بودند، صورت گرفته است.^۱ مشخص است که دو طرف این شبیه‌سازی را برای اعلام اعتقادات خود و نیز سوگواری انجام می‌دادند و این مراسم به هیچ وجه جنبه نمایشی و هنری نداشته است.

این مسئله در خود تعزیه و اشعار آن نیز ظهور و بروز دارد. به عنوان مثال کسی که نقش شمر را بازی می‌کند، در آغاز کار درحالی که با گام‌های بلند و تند گرد صحنه نمایش را می‌پیماید، چندین بار به صدای بلند می‌خواند:

الا یاران! نه من شمرم، نه این خنجر؛ مراد از کار ما این است که این مجلس بکا باشد.

۴. اشتباه تاریخی در الگوپذیری عزاداری از توابین

نویسنده در قسمتی از مقاله، الگوی عزاداری و زیارت قبر امام حسین علیه السلام را اقدام توابین در این زمینه می‌داند:

گزارش‌هایی از زیارت کردن این افراد وجود دارد که چهار سال بعد از مرگ او اتفاق افتاده است. زائران، جنگجویان و خون‌خواهان حسین بودند که خود را «توابین» نامیده بودند. آنها در برابر عبیدالله بن زیاد قیام کردند ... در خلال این عملیات نظامی به‌شدت انتقام‌جویانه، جنگجویان [در کربلا] توقف کردند برای اینکه با قهرمان شهیدشان بیعت کنند و زاری نمایند. آنها در طول روز ناله و شیون و زاری کردند و شب هنگام واقعه جان‌گداز قتل‌عام کربلا را بازخوانی نمودند. آنها بسیار گریستند، به‌طوری که شن‌های صحرا از آن خیس شد، مانند اینکه آب جریان پیدا کرده است. این برنامه یک پیش‌نمونه برای مراسم بعدی و مخصوصاً مراسمی که به‌عنوان مجلس عزای نامیده می‌شود، گردید.^۲

همان‌طور که از عبارت چلکوفسکی برمی‌آید، وی آغاز پدیداری مجالس عزای حسینی را به دوره توابین نسبت می‌دهد و آن را الگویی برای مجالس سوگواری شیعه در طول تاریخ معرفی می‌نماید. به عبارت دیگر وی مدل عزاداری رایج در میان شیعیان، یعنی مرثیه‌خوانی و گریه برای امام شهید را برگرفته از عمل توابین و مربوط به دوره آنها می‌داند. این در حالی است که آنچه در متون تاریخی

۱. فقیهی، تاریخ آل‌بویه، ص ۳۱.

2. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 156.

می‌بینیم، حاکی از آن است که مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام بسیار پیش از این زمان و همگی نیز به سبک و سیاق مراسم تواین برقرار شده است. این برنامه‌ها در مکان‌های مختلف و توسط افراد مختلفی برگزار شده است؛ به‌عنوان نمونه:

۱ - ۴. عزاداری اهل بیت علیهم السلام در کربلا

طبق نقل‌های تاریخی، اولین مراسم عزاداری برای شهیدای کربلا در روز ۱۱ محرم و توسط اهل بیت امام در کربلا برگزار شد. در این روز زمانی که کاروان اسرا را از کنار بدن‌های پاک شهدا عبور دادند، زن‌ها شروع به شیون کردند و بر صورت‌های خود لطمه زدند. در این میان حضرت زینب علیها السلام شروع به مرثیه‌سرایی کرد و با مخاطب قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله نوحه‌ای سرداد که دوست و دشمن را گریاند.^۱

۲ - ۴. عزاداری زنان بنی‌هاشم در مدینه

بعد از خبر یافتن اهل مدینه از شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام زنان بنی‌هاشم گرد آمده و مشغول شیون و زاری شدند و بر چهره خود لطمه زدند. دختر عقیل بن ابی‌طالب نیز در میان آنها سر خود را برهنه کرده و ابیاتی را در رثای شهیدای کربلا و مذمت امویان خواند.^۲

۳ - ۴. ام‌السلمه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام

یعقوبی نقل می‌کند که نخستین شیون‌گر بر امام حسین علیه السلام در مدینه، ام‌السلمه همسر رسول‌الله صلی الله علیه و آله بود. گویا حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ایشان شیشه‌ای پر از خاک داده و فرموده بودند: «جبرئیل مرا خبر داده است که امت من حسین را می‌کشند. هرگاه این خاک، خون تازه گردید، بدان حسین علیه السلام کشته شده است.» این شیشه نزد وی بود، تا زمانی که روز عاشورا مشاهده کرد خاک به خون تبدیل شده است، شروع به فریاد و شیون نمود.

بعد از زاری او زنان مدینه از هر سو شروع به گریه کردند؛ به‌گونه‌ای که از شهر مدینه چنان شیونی برخاست که هرگز مانند آن شنیده نشده بود.^۳

۴ - ۴. زینب علیها السلام و مجالس سوگواری در مدینه

مراسماتی از این دست در بازگشت کاروان اسرا به مدینه نیز گزارش شده است. در کتاب *لهوف* آمده است که مردم مدینه بعد از اطلاع یافتن از نزدیک شدن کاروان به شهر، درحالی که اشک می‌ریختند

۱. ابن‌اثیر، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ج ۱۱، ص ۱۹۴؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۳۰۶۵.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۰۴.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۸۲.

و مرثیه‌سرایی می‌کردند، به استقبال کاروان آمدند و در محضر امام زین‌العابدین علیه السلام به عزاداری مشغول شدند.^۱ طبق نقل‌هایی برپایه این مجالس سوگواری تا مدت‌ها در منازل اهل‌بیت، به‌خصوص خانه حضرت زینب علیها السلام ادامه داشت.^۲

۵ - ۴. اولین زائر امام در کربلا و مرثیه‌سرایی وی

عبداللّه بن حر جعفی تنها چند روز پس از واقعه کربلا به همراه یاران و اتباع خود از کوفه به آن سرزمین رفت و بر سر مزار امام حسین علیه السلام و یارانش به مرثیه‌سرایی پرداخت و حسرت خورد که چرا ایشان را یاری نکرده است. در بسیاری از متون تاریخی از وی به‌عنوان اولین زائر کربلا نام برده می‌شود.^۳

۶ - ۴. مجلس عزای حسینی در شام

طبری گزارش می‌کند که پس از ورود کاروان اسرا به شام و خطابه‌خوانی امام سجاد علیه السلام، یزید به اهل‌بیت امام حسین علیه السلام و زنان خاندان خود اجازه داد که عزاداری کنند. آنها نیز به مدت سه روز به‌طور رسمی در شام عزاداری کردند.^۴

همان‌طور که از موارد برشمرده شده کاملاً مشخص است، خاستگاه عزاداری و نیز شکل آن برگرفته از سوگواری اهل‌بیت می‌باشد؛ در حقیقت آنها اولین افرادی بودند که مجالس عزاداری برای امام حسین علیه السلام برگزار نمودند. از این رو باید اذعان نمود که الگوپذیری عزاداری شیعیان از توابع نادرست بوده و از مطالعه اندک نویسنده در کتب تاریخی و عدم رجوع ایشان به مصادر مربوط به عزاداری شیعه ناشی می‌شود. به‌نظر می‌رسد نویسنده با کمی دقت و کنکاشی بیشتر در کتب تاریخی می‌توانست از این اشتباه تاریخی اجتناب نماید.

۲. نقد روشی

۱. افراط در نمادگرایی

چلکوفسکی نگاهی نمادین به مراسم عزاداری ایام محرم و صفر دارد. اگرچه در بعضی از موارد نمادهایی که معرفی می‌کند از دیدگاه یک فرد شیعه نیز مورد تأیید است، اما در چند مورد در نگاه نمادگرایی خود دچار افراط شده است.

به‌طور کلی وظیفه مخاطب در برخورد با یک متن یا نماد که هر دو معنایی را در خود دارند، می‌تواند به دو گونه باشد: ۱. کشف معنا؛ ۲. اختراع معنا. ظاهراً قواعد زبانی وظیفه مخاطب را کشف

۱. سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطغرف، ص ۲۲۶ به بعد.

۲. شمس‌الدین، ثورة الحسين فی الواقع التاريخی و الوجدان الشعبي، ص ۲۶۵.

۳. ابن‌اثیر، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۲، ص ۱۶۹؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۰۸۵.

۴. همان، ص ۳۰۷۴.

معنا می‌داند، نه اختراع آن؛ زیرا در صورت دوم هدف از به‌کارگیری زبان برآورده نمی‌شود و انتقال پیام به‌درستی صورت نمی‌گیرد؛ گوینده معنایی را قصد کرده و شنونده معنای دیگری را آفریده و به او نسبت داده است. در اینجا ارتباط درونی گوینده و شنونده برقرار نمی‌شود. افزون بر این، معنایی را می‌توان به کلمات نسبت داد که قواعد اجازه دهند؛ قواعد هم معنایی را اجازه می‌دهند که عمومی باشد، نه خصوصی. بنابراین نمی‌توان گفت مخاطب می‌تواند معنایی بیافریند و به گوینده نسبت دهد؛ زیرا در این صورت معنا را خصوصی کرده‌ایم.^۱

در نگاه به نمادها و بررسی و تحلیل آنها لازم است به این مسئله توجه کرد که نشانه و نماد را باید با صاحب نشانه مورد بررسی قرار داد. به‌نظر می‌سد از دیدگاه چلکوفسکی نماد به خودی خود فاقد معناست و باید معنا را به آن القا کرد یا معنا را اختراع نمود (دیدگاه دوم). به عبارت واضح‌تر او در برخورد با نشانه‌ها معناسازی می‌کند، نه معناییابی. متأسفانه ایشان چنین مبنایی در برخورد با نمادها دارد و این مبنا و نگاه را در قضاوت‌ها و تحلیل‌های خود تأثیر می‌دهد.

به‌عنوان نمونه، او نصب آینه در نخل (سازه‌ای که جهت عزاداری بیشتر در استان یزد مورد استفاده قرار می‌گیرد) را به این صورت نمادسازی می‌کند که با این کار، ناظر بیرونی می‌تواند خود را همراه با امام احساس نماید.^۲ اما در نگاه مردم چنین تصویری از این کار وجود ندارد؛ چراکه دلیل و فلسفه خاصی برای کار خود قائل نیستند و آن را برای جذابیت بیشتر و زیبایی انجام می‌دهند تا به‌وجود آوردن چنین احساسی.

وی شکل نخل را اقتباس شده از اشک عزاداران حسین علیه السلام می‌داند:

در این میان نخل در طی قرن‌ها شباهتش را به تخت روان اصلی خود گم کرده است و تبدیل شده به سازه‌ای با اندازه‌های مختلف از کوچک تا بسیار بزرگ؛ شبیه به یک توری شبکه‌ای چوبی به شکل قطره اشک که یادآور اشکی است که مؤمنان برای امام حسین ریختند.^۳

برای شکل این سازه تفاسیر مختلفی ذکر شده است که هیچ‌کدام سندیت ندارد و همگی در حد احتمال است.^۴ از این میان سه احتمال قابل تأمل است:

الف) چون با تزییناتی که بر روی آن انجام می‌شود، شبیه به درخت خرما می‌گردد، به آن نخل می‌گویند.^۵

۱. صادقی، درآمدی بر کلام جدید، ص ۸۸.

2. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 175.

3. Ibid, P. 157.

۴. گلی زواره، «تحقیقی درباره نخل ماتم»، روزنامه اطلاعات، ۷ شهریور ۱۳۷۰.

۵. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴۷، ص ۳۹۷.

ب) این تابوت در مقیاسی کوچک‌تر برای تشییع اشخاص خاصی در بعضی مناطق ایران، به‌خصوص استان یزد مورد استفاده قرار می‌گیرد^۱ و این احتمال وجود دارد که به‌خاطر عظمت امام حسین علیه السلام تابوت را بسیار بزرگ می‌سازند. اما این امکان هم وجود دارد که تابوت کوچک‌تر را از روی تابوت بزرگ آیینی ساخته باشند و هیچ دلیلی بر درست بودن احتمال اول در دست نداریم.

ج) ساختن شبیه شهدا و تابوت‌های تمثیلی آنها و آئین‌های حمل آن در دسته‌های عزا در فرهنگ ایران پیشینه‌ای دراز دارد. نمونه برجسته و معتبر آن، آیین سوگواری سالانه مرگ سیاوش و حمل و گرداندن تابوت اوست. بنابر روایات تاریخی، مردم فرارود تا نخستین سده‌های اسلامی هرساله در مراسم یادمان سال مرگ سیاوش، قهرمان اسطوره‌ای ایران که خون پاکش به ناحق بر زمین ریخت، شبیه او را می‌ساختند و در عماری یا محملی گذاشته و بر سر زنان و سینه‌کوبان و نوحه‌خوان در شهر می‌گرداندند.^۲

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد نخل‌گردانی ادامه سیاوشان‌های بسیار کهن است. در بررسی مراسم سیاوشان بر دیواری از کاخ «پنجکند» دیده می‌شود که سوگواران اتاقی چادرمانند را که پیکر سیاوش و سه تن از عزاداران در آن است، بر دوش می‌کشند. اتاق دارای پنجره‌هایی است که پیکر سیاوش و عزاداران از آنها پیداست. شکل شبکه‌دار نخل و وجود پنجره‌های کوچک فراوان در آن، یادآور همان اتاق چادرمانند است.^۳ نخل شباهت بسیاری به درخت سرو دارد. سرو نیز در فرهنگ عامه یعنی جاودانگی و رشادت و زندگی اخروی و آزادگی که یادآور روحیات و خصایل امام حسین علیه السلام است.^۴

جالب اینجاست که در تفاسیر مربوط به شکل این سازه هیچ‌گاه از شباهت آن به اشک نامی برده نشده است. از این رو به‌نظر می‌رسد تعبیر ایشان از همه احتمالات ضعیف‌تر باشد؛ چراکه اولاً چنین سخنی در هیچ کتاب یا منبع مکتوب یا شفاهی‌ای وجود ندارد. ثانیاً احتمالات دیگری نیز می‌توان برای شکل آن در نظر گرفت که می‌تواند معقولانه‌تر باشد؛ مثل اینکه آن را برگرفته از معماری خاص اسلامی و یا گرته‌برداری از شکل گنبد بدانیم.

احتمال دیگر چلکوفسکی گنبدی شکل بودن سقف سقاخانه‌ها:

این کار بیان نمادینی از تأثیر متقابل تشنگی کربلا [بر افراد] شده است و همچنین

۱. همان.

۲. بلوکباشی، «نخل‌گردانی»، مجموعه از ایران چه می‌دانیم، ص ۱۳.

۳. حصوری، سیاوشان، ص ۱۰۶.

۴. همان.

نماد مراسم تدفین [و زیارت] است؛ تا آنجا که بر روی منبع آب گنبدی قرار داده شده که حاکی از ضریح شهید مقدس می‌باشد.^۱

این مورد نیز ممکن است به سبب سبک خاص معماری ایرانی در گنبدی ساختن سقف اماکن جهت خنک داشتن فضای داخلی و به‌طور مشخص در اینجا برای خنک نمودن آب باشد. به عبارتی هیچ دلیل و تفسیری برای ساختن بعضی سقاخانه‌ها به این شکل وجود ندارد و منشأ چنین شکلی معلوم نیست.

او برای نمادسازی خود دلیلی ارائه نمی‌دهد. از این رو همان‌طور که او می‌تواند احساس خاصی از یک نماد داشته باشد و براساس سلیقه خود آن را رمزگشایی و معنا نماید، هریک از ما نیز می‌توانیم چنین عملی را انجام دهیم؛ یعنی به همان مقدار که تفسیر ذوقی یک فرد از این مراسمات قابل استناد نیست، رمزگشایی ایشان هم فاقد وجهه‌ای برای تأیید می‌باشد.

علت این تحلیل نادرست هم به احتمال بسیار زیاد عدم استفاده نویسنده از اطلاعات شفاهی مردم کوچه و بازار می‌باشد که نشئت گرفته از همان مبنای اشتباه ایشان است. به عبارت دیگر نویسنده براساس مشاهدات خود و روحیه هنری‌ای که داشته، با دیدن این برنامه‌ها و سازه‌ها با استفاده از احساس و اطلاعات شخصی خود به نمادسازی پرداخته و از اطلاعات عزاداران شیعه استفاده چندانی نکرده است.

۲. عدم توجه به نمادهای کانونی

یکی از نکاتی که در مقاله چلکوفسکی مغفول مانده و نویسنده جز در ضمن مسائل دیگر به آن پرداخت مناسبی نداشته است، اشک ریختن عزاداران در رسای حضرت اباعبدالله علیه السلام می‌باشد. در بررسی نمادها باید به اندازه کافی به هر کدام پرداخته شود که در این میان از اشک به‌عنوان یک عنصر بسیار تأثیرگذار در مراسم عزاداری غفلت شده است. طبق احادیث و آموزه‌های شیعی باید اذعان کرد که اشک نقطه کانونی تمام شکل‌های عزاداری است. آنچه در روایات آمده، تأکید بر ریختن اشک برای مصائب اهل بیت علیهم السلام است.^۲ به عبارت دیگر نمادها و مراسم گوناگون فقط برای آن است که این اشک محقق شود و سوگواری برای اهل بیت علیهم السلام شکل بگیرد. این تأکید و توجه به گونه‌ای است که اشک ریختن برای سیدالشهدا علیه السلام از سوی امامان و وسیله آمرزش گناهان و رستگاری در روز قیامت شمرده شده است.^۳ اشعار روضه‌ها و نوحه‌های عزاداری که برگرفته از آموزه‌های تشیع است نیز همین مطلب را می‌رساند. به‌عنوان نمونه:

1. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P. 158.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۳ و ج ۴۴، ص ۲۹۰ - ۲۸۹ و ...

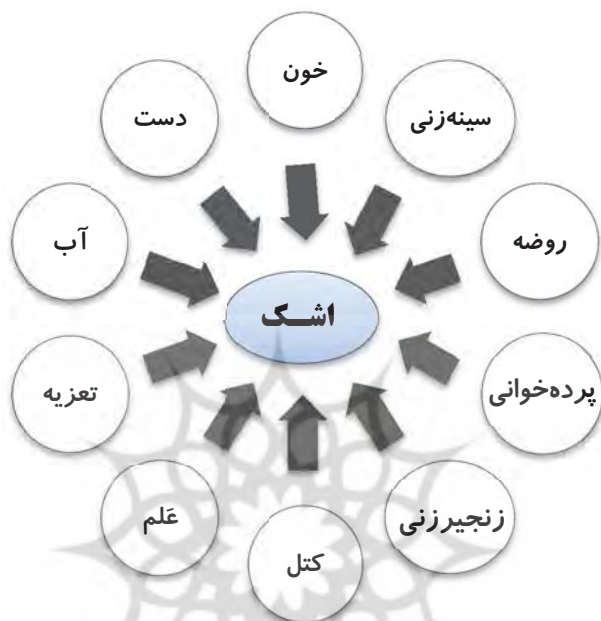
۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۸۳، ۲۷۸، ۲۹۲ و ...

ای دل! ز سوز گریه جگر را کباب کن یاد از حسین تشنه به چشم پر آب کن

یا:

باید برای مثل تو گریانمان کنند هم صبح و هم غروب پریشانمان کنند

متأسفانه این نماد کانونی در این پژوهش مورد غفلت قرار گرفته و توجه چندانی به آن نشده است؛ درحالی که نویسنده می‌توانست از این عمل برای بیان آموزه‌ها و نمادهای شیعه استفاده فراوانی نماید. محوریت نماد اشک نسبت به دیگر نمادها در عزاداری شیعه در شکل زیر نشان داده شده است:



علاوه بر اشک، سه نماد دیگر نیز نزد شیعه وجود دارد که با آن رابطه تنگاتنگی دارد، اما در این مقاله بدان‌ها اشاره نشده است؛ این سه نماد عبارتند از: آب، خون و دست. جای تعجب است که نویسنده با دید هنری خود چگونه از این نمادها با وجود تبلور زیاد آنها در نهضت عاشورا و عزاداری‌های مردم غفلت نموده و اشاره‌ای به آنها نکرده است.

ب) امتیازات

۱. تناسب در شکل و ساختار

مقاله در مقدمه خود توضیح مختصری در مورد امام حسین علیه السلام و جریان شهادت ایشان ارائه می‌دهد. نویسنده حادثه کربلا را بزرگ‌ترین حقیقت رنج‌آور و عمل رستگاری‌بخش در شیعه معرفی می‌نماید.

سپس از خصوصیت فراتاریخی آن سخن به میان آورده و مراسم مربوط به این حادثه جان‌گداز را به‌عنوان هسته اصلی ایمان شیعی و سبب قدرت و نیروبخشی به شیعیان در تمام جهان معرفی می‌نماید. به‌علاوه او بر تأثیر شگرف و عمیق این حادثه در تفکرات و آموزه‌های شیعه تأکید می‌کند و این حادثه را سبب قیام‌های شیعیان علیه ظلم و ستم در طول تاریخ می‌داند.

مقاله از ساختار مناسبی برخوردار است و به مراسم رایج در هر کشور به‌صورت مجزا پرداخته است. نویسنده در بخش‌های مجزا شامل ایران، عراق، دیگر کشورهای جهان عرب، مردمان ترک‌زبان، هند و پاکستان و منطقه کارائیب، به سنت‌های رایج عزاداری در هر منطقه اشاره کرده و از اماکنی که برای این عمل در هر کشور تأسیس شده است، نام می‌برد.

چلکوفسکی در چند قسمت شکل مراسم عزاداری در نواحی مختلف را مورد مقایسه قرار می‌دهد:

در عراق جایی که بسیاری از مکان‌های مقدس شیعه نظیر کربلا و نجف واقع شده است، دسته‌جات تفاوت عمده‌ای با نمونه‌های ایرانی ندارد. به‌عنوان مثال در ایران زنجیرزنان خودشان را به دو گروه متوازی در دو طرف جمع و در ستونی واحد تقسیم می‌کنند، در حالی که لباس‌های سیاه پوشیده‌اند و بر پشت خود برش‌هایی زده‌اند تا زنجیرها مستقیماً به بدنشان ضربه بزند. آنچه در ایران دسته نامیده می‌شود، در عراق «موکب» نام دارد. همچنین در بسیاری از موارد دسته‌جات به‌وسیله اصناف مختلف و نیز به‌وسیله محلات شهر تشکیل می‌شوند.^۱

۲. نگارش بی‌طرفانه

نویسنده با بیانی توصیفی و تا اندازه زیادی بی‌طرفانه به شرح و توضیح مراسم عزاداری در میان جوامع شیعی مختلف می‌پردازد. شیوه او در استفاده از الفاظ بسیار خوب و بدون جهت‌گیری منفی است. وی حتی در جایی مثل توصیف قمه‌زنی که می‌توانست از الفاظ منفی استفاده کند، از این عمل پرهیز کرده و صرفاً به ارائه توضیحی عادی از این مراسم اکتفا می‌کند:

همچنین گروه‌های دیگر با شمشیر (احتمالاً منظور نویسنده قداره است) یا چاقو بر سرهایشان می‌زنند، به‌طوری که خون بر روی صورت، گردن و سینه‌هایشان جاری می‌شود (قمه‌زنی).^۲

۳. نثر روان و توصیف مناسب

چلکوفسکی در این مقاله از نثری روان و ساده و به دور از حشو و زوائد بهره برده است. وی سعی نموده شکل مراسم عزاداری شیعیان را برای خواننده غربی به‌خوبی توصیف کند. او از مراسم

1. Chelkowski, "Popular Shi'i Morning Rituals" in *Shi'ism*, V. III, P169.

2. Ibid, P. 157.

سوگواری و نمادهای آن نام می‌برد و سپس هریک را به صورت جداگانه، به طور کامل و با جزئیاتش شرح می‌دهد. به عنوان نمونه به توصیف او از سقاخانه دقت کنید:

در پیچ و خم خیابان‌های کوچک در شهرهای سنتی ایران یا در شکنج بازار، دیواری که طاقچه‌ای در آن قرار دارد و دربر دارنده ظرف برنجی بزرگی با یک شیر آب است، ایجاد شده است. در این مکان همچنین چند پیاله برنجی که با زنجیر به ظرف اصلی متصل شده است، قرار دارند. این طاقچه با دیواری نقاشی یا کاشی کاری شده که نشان‌دهنده منظره‌ای از کربلا یا ویژگی‌های نمادین شیعه بود، تزیین می‌شد. یک پنجره مشبک کم‌ارتفاع هم وجود داشت که مردم از بالای آن به آب دسترسی پیدا می‌کردند.^۱

۴. حضور نویسنده در مراسم

نکته مثبت دیگری که باید به آن توجه کرد، حضور نویسنده در تمام این مراسمات است. به عبارت دیگر او براساس سخن‌ها و نوشته‌های دیگران به نوشتن چنین مقاله‌ای دست نزنده؛ بلکه خود در عزاداری‌ها شرکت کرده و بدون واسطه به کنکاش در آنها پرداخته است. در شرح حال وی آمده است که درباره تعزیه مطالعات زیادی داشته و سفرهای زیادی نیز در این باره کرده است:

بسیار درباره تعزیه مطالعه کردم؛ به واتیکان سفر کردم تا بزرگ‌ترین کتابخانه تعزیه در دنیا را ببینم. سفیر ایتالیا در ایران در سال‌های ۱۹۵۵ - ۱۹۵۰ م نیز عاشق تعزیه بود و این کتاب‌ها را جمع‌آوری کرده و به کتابخانه واتیکان سپرد. ۱۰۵۵ نسخه تعزیه در واتیکان نگهداری می‌شود که تنها متعلق به ایران است. از ایران تا کارائیب سفر کردم تا گسترش تعزیه را ببینم.^۲

همان‌طور که ملاحظه شد، او در باب عزاداری شیعه به خواننده‌ها و شنیده‌های خود اکتفا نکرده و تمام آنچه را که نوشته است، دیده و در مراسم، به‌خصوص تعزیه‌ها در سراسر دنیا - از ایران تا ترینیداد و توباگو - شرکت نموده است.

۵. استفاده از نمادشناسی در شناخت باورها

چلکوفسکی در تحلیل مراسم عزاداری و نمادهای مربوط به آن از دانش نمادشناسی^۳ استفاده کرده است.

1. Ibid, P. 158.

۲. گفتگو با پیتر چلکوفسکی شرق‌شناس آمریکایی: «عاشق ایران و تعزیه هستم»، روزنامه ایران، ۲۹ بهمن ۱۳۸۵، ص ۱۸.

۳. نمادشناسی یا نشانه‌شناسی (semiology) مطالعه نشانه‌ها و نمادهاست. این رشته با سخنرانی‌های زبان‌شناس

از آنجا که به‌طور قطع هریک از این نمادها، نماینده معنایی در پس ظاهر خود هستند، چنین کاری از سوی نویسنده جدید و بدیع بوده است. وی بعضی نمادها را بررسی کرده و محکی آن را - البته از دیدگاه خود - مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

نکته مهم در این مسئله آن است که ایشان مبنای خاصی در نمادشناسی خود اتخاذ کرده که سبب به‌خطا رفتن او در بعضی موارد - که در قسمت کاستی‌ها بدان پرداخته شد - شده است. البته این مسائل چیزی از ارزش‌های این روش جدید نمی‌کاهد، بلکه پژوهشگر باید با در نظر داشتن خطاها در این مسیر از تکرار اشتباهات بپرهیزد.

نتیجه

مقاله «مراسم عزاداری رایج در شیعه» با ساختاری خوب و نگارشی بی‌طرفانه نوشته شده است. نویسنده در مراسم عزاداری حاضر بوده و به‌عنوان یک ناظر بیرونی به این برنامه‌ها نگاه می‌کرده است. به‌علاوه وی در تحلیل خود از مراسم سوگواری شیعه از نمادشناسی استفاده کرده است که رویکرد جدیدی در این عرصه می‌باشد و پژوهشگران این حوزه می‌توانند با به‌کارگیری این روش، مفاهیم جدیدی در این بخش عرضه نمایند.

اما متأسفانه نویسنده در نگاه نمادگرایی خود دچار افراط شده که به‌تبع موجب تحلیل‌هایی نادرست از این نمادها گردیده است. اشتباهات وی نیز به‌جهت عدم مراجعه او به مصادر روایی شیعه و مقاتل و همچنین بی‌توجهی ایشان به فرهنگ عامه در باب عزاداری بوده است. این در حالی است که او می‌توانست با تعدیل مبنای خود در معناشناسی که برپایه اختراع معنا می‌باشد، تا اندازه زیادی از اشتباهات خود بکاهد.

چلکوفسکی به‌عنوان یک مسیحی به‌حادثه کربلا نگاهی التقاطی دارد. او بسیاری از معارف و شکل‌های عزاداری را براساس اعتقادات مسیحیت نظیر ریاضت، فدا و عشای ربانی مورد بررسی قرار می‌دهد. از این‌رو تحلیل‌های وی از این برنامه‌ها، اشتباه و التقاطی است.

یکی از مشکلات نویسنده در عرصه نگارش درباره شیعه، عدم مطابقت کامل کلمات و اصطلاحات انگلیسی با فرهنگ و زبان اسلامی است. او با آنکه سعی وافری در جعل اصطلاح و

سوئسی فردینان دو سوسور در دانشگاه ژنو آغاز گشت. او با رد انگاره سنتی که رابطه میان واژه و شیء را یک رابطه حقیقی می‌دانست، برای نخستین‌بار به دلخواه بودن آن اشاره کرد. وی هر پیوند ذاتی میان واژه و شیء و همچنین واژه و مفهوم را نادرست خواند و این پیوند را زاده یک همگرایی و هم‌رأیی اجتماعی دانست. او در «درس زبان‌شناسی عمومی» در توضیح نشانه‌شناسی می‌گوید: می‌توان علمی را تصور کرد که به مطالعه زندگی نشانه‌ها در یک جامعه بپردازد. این علم بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه روان‌شناسی عمومی خواهد بود. نشانه‌شناسی معلوم می‌کند که نشانه‌ها از چه تشکیل شده‌اند و چه قوانینی بر آنها حکم فرماست.

تطبیق لغات در فرهنگ شیعی می‌کند، اما در این کار چندان موفق نیست. به عبارت دیگر شاید به جای اشکال بر نویسندگان خود باید از ابتدا به فکر حل این مسئله می‌بودیم. در واقع از آنجا که ما دست به اصطلاح‌سازی در زمینه مسائل دینی و مذهبی‌مان نزده‌ایم، چگونه یک نویسنده غربی بیگانه با فرهنگ و عقاید شیعه می‌تواند از لغات درست که نمودار کامل و صحیح اعتقادات و آموزه‌های شیعه باشد، چیزی بگوید یا مطلبی بنویسد. از این رو به نظر می‌رسد در درجه اول فرهنگستان علوم باید این وظیفه خطیر را برعهده گرفته و به وضع اصطلاحات مناسب به زبان‌های خارجی در حوزه علوم دینی دست زند.

در درجه دوم نیز وظیفه علمای دینی است که با نوشتن کتب مذهبی به زبان‌های خارجی، به‌خصوص در حوزه مقاتل و تاریخ ائمه علیهم‌السلام، راه را برای تحقیق و نگارش صحیح در این حوزه باز نمایند. به‌علاوه ایشان در باب توجه به نمادها، بعضی نمادهای کانونی در سوگواری شیعه را مطرح نکرده که جای تعجب دارد. مهم‌ترین این نمادها اشک می‌باشد که در احادیث و نیز اشعار مرثیه‌ها تأکید زیادی بر آن شده و همه نمادها و برنامه‌ها به این مورد برگشت می‌کنند. در عین حال متأسفانه در مقاله به این مسئله اشاره بسیار کم‌رمتی شده است.

در پایان می‌توان گفت به‌طور کلی مقاله آقای چلکوفسکی خوب و در روش بدیع و تازه است. اگر ایشان به ابعاد دیگر مسئله هم توجه می‌کردند، قطعاً از نقایص این کار بسیار کاسته می‌شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۲. بلوکباشی، علی، «نخل گردانی»، *مجموعه از ایران چه می‌دانیم*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
۳. تاورنیه، ژان باپتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تهران و اصفهان، انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید، بی‌تا.
۴. حصوری، علی، *سیاوشان*، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۴.
۵. الخلیلی، جعفر، *موسوعة العتبات المقدسه*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۶. دلاواله، پیترو، *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات بهمن، ۱۳۴۱.
۸. سید بن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، تحقیق شیخ فارس الحسون، تهران، دارالاسوه، ۱۴۱۴ ق.

۹. شمس‌الدین، محمد مهدی، *ثورة الحسين في الواقع التاريخي والوجدان الشعبي*، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ ق.
۱۰. صادقی، هادی، *درآمدی بر کلام جدید*، قم، نشر طه و معارف، ۱۳۸۲.
۱۱. طالبی، حسن، «نجات‌شناسی از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، *مجله طلوع*، شماره ۱۱ - ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۳.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۳.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ ۵، ۱۳۷۵.
۱۴. فقیهی، علی‌اصغر، *تاریخ آل بویه*، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۸.
۱۵. کارری، جووانی فرانچسکو، *سفرنامه کارری*، ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کاررننگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر استان آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸.
۱۶. گفتگو با پیترو چلکوفسکی شرق‌شناس آمریکایی: «عاشق ایران و تعزیه هستم»، *روزنامه ایران*، شماره ۳۵۷۴، ۲۹ بهمن ۱۳۸۵.
۱۷. گلن، ویلیام و هنری مرتن، *کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
۱۸. گلی زواره، غلامرضا، «تحقیقی درباره نخل ماتم»، *روزنامه اطلاعات*، ۷ شهریور ۱۳۷۰.
۱۹. ماله، آلبر، *تاریخ ملل شرق و یونان*، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران، انتشارات سمیر، ۱۳۸۳.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، *دانشنامه امام حسین علیه السلام*، ترجمه عبدالهادی مسعودی، دارالحديث، قم، ۱۳۸۸.
۲۲. معتمدی کاشانی، سید حسین، *عزاداری سنتی شیعیان*، کاشان، ناشر مؤلف، ۱۳۸۳.
۲۳. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶، ۱۳۷۱.
24. Chelkowski, peter, "Popular Shi'i Morning rituals" in *Shi'ism*, New York, Routledge, 2008.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی